



رفتار با کودکان

toloes@hotmail.com

فرزاد ادیبی کارشناس تعلیم و تربیت

کودکان مقدمند؛ ما با سؤالیهای زیادی در باره تحمیل و تبلیغ انتقال نظرات پدر و مادر به کودکان مواجه شده ایم. سؤال را ما اینگونه فرموله می کنیم: آیا پدر و مادر حق دارند که نظرات و دیدگاهها سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی خود را با توسل به تحمیل، تبلیغ و یا استدلال و بحث به کودکان، منتقل کنند؟

قسمت چهارم

در سه شماره گذشته به استدلالهای پدران و مادرانی که به نوعی حق خود می دانند که نظرات و اعتقادات خود را در مورد زندگی، عشق، اخلاق، سیاست، مذهب را به کودکان خود منتقل کنند، نگاهی کردیم. روشها و دلایل این پدران و مادران با هم متفاوت است. عده ای با خشونت و زور و تحمیل می خواهند این نظر خود را پیاده کنند و عده ای دیگر، با بحث و گفتگو و قانع کردن کودک، می خواهند این کار را انجام دهند. اما با اینحال، همه آنان در یک امر یعنی زیر پا گذاشتن حق ابتدایی و انسانی کودک برای یک رشد مستقل فکری با هم مشترک هستند. برای من روشهای این پدران و مادران اصلاً مهم نیست، مهم نتیجه این روشها است. کنوانسیون بین المللی حقوق کودک، هر چند ناقص و پر از اما و اگر است، اما در چند جا به استقلال رشد جسمی و روانی کودک تاکید کرده است. هر چند که دولتها بنا بر سیاستهای روز خود، تفسیرهای متفاوتی از این سند به دست می دهند، اما برای شروع می توانیم به آن استناد کنیم. در بخش "حمایت کودکان در برابر سوءاستفاده" آمده است: "حکومتها با تکیه بر تمام امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی، کودک را در مقابل هر شکل از رفتار سهل انگارانه با آنها، سوءاستفاده جنسی و تجاوز جسمی یا روانی، حمایت می کند." من رفتار "سهل انگارانه" را اینگونه تفسیر می کنم. رفتاری است که رشد سالم و مستقل کودک آسیب می بیند. این رشد سالم و مستقل، شامل رشد جسمی، فکری و روانی کودک، نیز می باشد. همچنین "تجاوز روانی" من در همین حیطه می بینم. یعنی "تجاوز به رشد مستقل فکری و روانی کودک". در بخشهای "آزادی عقیده"، "آزادی مذهب، وجدان و افکار" و "حفظ محدوده شخص" به حق کودک برای یک رشد مستقل فکری و روانی، با اما و اگرهایی تاکید شده است. جمله "محدوده شخصی و خصوصی هیچ کودکی قابل تعرض نیست" را چگونه می شود، تفسیر کرد. مگر نه اینکه رشد مستقل فکری کودک یعنی اینکه کودک حق دارد، مستقلاً نظرات فلسفی، سیاسی، مذهب و علمی خود را در روندی با رشدی طبیعی و به دور از اجبار و تحمیل و تحمیل انتخاب و یا کشف کند. **صفحه ۳**

یک میلیارد کودک ...

یونیسف: بیش از یک میلیارد کودک در سراسر جهان دچار محرومیتهای زیادی هستند. نیمی از کودکان جهان دوران کودکی وحشتناکی را طی می کنند و آنها نیازمند کمک فوری جهانیان هستند. این کودکان زندگی را با فقر، جنگها و ایدز آغاز میکنند. طبق آمار ۶۴۰ میلیون کودک جهان دارای محل سکونت مناسبی نیستند و ۵۰۰ میلیون نفر نیز از خدمات بهداشتی پایه بی بهره هستند. یونیسف تصریح کرد که ۴۰۰ میلیون کودک از آب آشامیدنی مطمئن، ۳۰۰ میلیون کودک از تلویزیون، رادیو و مطبوعات و ۲۷۰ میلیون نفر نیز از سرویس های اولیه بهداشتی برخوردار نیستند. ۱۲۰ میلیون کودک دختر در جهان هرگز به مدرسه نمی روند و دست کم ۹۰ میلیون کودک نیز گرسنه هستند و روزانه هزاران کودک در جهان جان خود را از دست میدهند که بخش عمده ای از این مرگ و میر کودکان ناشی از کیفیت پائین زندگی آنان است. ضرب مرگ و میر کودکان در آنگولا، نیجر و سیرالئون ۲۸۴ کودک از یک هزار کودک به دنیا آمده است این رقم در کشور سوئد ۳ کودک در هزار کودک است. متوسط عمر در کشورهایی همانند زامبیا و زیمبابوه ۳۳ سال است و این رقم در کشور سوئد ۸۰ سال میباشد.

کیفر خواست



امیر توکلی

هفته قبل بنا به گزارشی از «آکسفام» از مرگ ۴۵ میلیون کودک در ده سال آینده نوشتیم همانجا گفتیم که این تنها بخشی از وضعیت نابسامان و غیر انسانی است که کودکان در آن قرار دارند. اما گزارش یونیسف ابعاد این فاجعه را بازگو میکند. یک میلیارد کودک در شرایط خطرناکی زندگی میکنند. عدد آنقدر بزرگ است که تصور آن برای انسان مشکل است. جهان با نزدیک به شش میلیارد جمعیت، با این سطح تکنولوژی تولید، با این همه علم و دانش که حتی فضاهای دور دست را شما در صفحه

یکی بعد از دیگری در مینوردد اما کودکانمان در چند قدمی دریاها تشنه هستند.

این چه وضعیتی است. این چه سیستم و مناسباتی است که در خدمت کودکانمان نیست. ما باید اعلام جرم کنیم. باید تمامی کسانی را که با تصویب سیاستهایی زندگی کودکان را به مخاطره میاندازد را به دادگاه بکشانیم. باید رادیو و تلویزیونها را مجبور کرد تا اعتراضات ما را منعکس کنند باید مسئولین در رسانه ها جواب دهند. هیچ کسی حق ندارد حقوق کودک

صفحه ۴

کامپیوتر تان بصورت زنده می بینید. به کجا میروید؟ چطور امکان دارد که کودکان این جامعه جهانی خانه نداشته باشند، آب مناسب نداشته باشند و دائم گرسنه باشند. کجاست آن همه تولیدات مواد غذایی در پرتوی انقلاب تکنولوژی تولید. بشر امروزه به دنبال کشف آب و زندگی، سیارات را

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

دعوت از فعالین و صاحب نظران در امور کودکان حقوق کودکان جهانشمول است

دعوت از فعالین و صاحب نظران در امور مربوط به حقوق کودکان برای شرکت در کنفرانس کودکان مقدمند

کودکان مقدمند بعنوان نهاد بین المللی دفاع از حقوق کودک کنفرانسی را در ۱۸ و ۱۹ فوریه ۲۰۰۵ در شهر استکهلم سوئد تدارک دیده است که به موضوع جهانشمول بودن حقوق کودکان میپردازد. کودکان مقدمند معتقد است که در اروپا و امریکا تحت عنوان مولتی کالچرالیسم، نسبییت فرهنگی و احترام به فرهنگها نوعی تبعیض به کودکان بخصوص به کودکان مهاجر اعمال میشود. این کنفرانس در حراست از حقوق بدون قید شرط کودکان برای برخورداری از یک زندگی مرفه، امن و شاد میخواهد در عین نقد و افشاگری از مذهب و فرهنگهای عقب مانده، تاثیرات مخرب مولتی کالچرالیسم و نسبت فرهنگی را نیز نشان دهد.

در همین جا از همه صاحب نظران در امور کودکان و همه فعالین مدافع حقوق کودک میخواهیم با شرکت خود در این کنفرانس و ارائه نظرات و ایده های خود در این رابطه به تقویت مبارزه ما برای تامین حقوق کودک و برگزاری یک کنفرانس غنی و موفق همت بگذارند.

در صورت تمایل به ارائه سخنرانی در این کنفرانس با ما تماس بگیرید. همچنین از موضوع سخنرانی خود ما را مطلع سازید.

در این رابطه میتوانید با هما ارجمند دبیر کودکان مقدمند و یا کریم شامحمدی تماس بگیرید:

هما ارجمند:
کریم شامحمدی: karimshamohammadi@yahoo.se
www.childrenfirstnow.com

کودکان مقدمند

۱۳ دسامبر ۲۰۰۴

کنفرانس

کودکان مقدمند برگزار می کند

"حقوق کودکان جهانشمول است"

۱۸ و ۱۹ فوریه در استهکلم

عناوین کنفرانس:

- کودکان و مولتی کالچرالیسم
- کودکان و مهاجرت
- کودکان و فرهنگ، سنن و مذهب
- کودکان و تجارت سکس

برای اطلاعات بیشتر با ای میل آدرس و تلفنهای زیر تماس بگیرید:

هما ارجمند، homawpi@rogers.com

تلفن: ۰۰۱ - ۴۱۶ - ۷۳۷۹۵۰۰

کریم شامحمدی:

Karimshamohammadi@yahoo.se

تلفن: ۰۰۴۶ - ۷۸۵۲۶۷۱۶

www.childrenfirstnow.com

دبیر

«کودکان مقدمند»

هما ارجمند

homawpi@rogers.com

سردبیر

هفته نامه

«کودکان مقدمند»

امیر توکلی

tel: ۰۰ ۴۵۸ ۴۰۵۸۲ ۱۷۷۶

e.mail:

kodakan_moqadamand@hotmail.com

مسئولین مرکز پخش:

شها خباززاده

سروش ابراهیمی

kudakanmoqadam@aol.com

Shahlaxabazzade@aol.com

soroshebi@yahoo.com

چه کسی پاسخگو است؟



شاهو یاسینی

آزادی و رهایی از فقر یک افسانه و آرزوی باور نکردنی برای کودکان فقیر و سیاه روز شده است. افسانه ای که اگر به واقعیت بپیوندد میلیونها کودک را از فلاکت و سیاه روزی نجات میدهد.

کودکان در ایران بخاطر تشنگدستی و اوضاع نابسامان مادی کار میکنند و هزینه ی زندگیشان را از کار کردن در خیابانها بدست می آورند. هر کدام از این کودکان دلایل و شرایط مخصوص به خود را دارند.

هزاران کودک برای کمک به اوضاع خانواده و تامین مخارج تحصیل کار میکنند آنها خانه و زندگی خود را رها کرده و برای امرارمعاش ناچارا متوسل به کارهای سخت و طاقت فرسا شده اند. بخشی دیگر کودکانی هستند که هیچ کس و یا خانواده ای ندارند و با همسالان خود در خیابانها کار و زندگی میکنند. این گروه از کودکان عموماً مورد سواستفاده های متعدد قرار می گیرند. این کودکان بیشتر در زیر ساختمانهای بزرگ، پارکها و مکانهایی که سقفی داشته باشند و حتی بعضاً هم سقفی ندارند، شب را به صبح می رسانند. با این همه این وضعیت وحشتناک به اینجا ختم نمی شود. این کودکان بی پناه بعد از مدتی کوتاه دچار انواع بیماریهای عضلانی و تنفسی و عفونی و روحی میشوند که هر کدام از این بیماریها به نوبه خود دردی کشنده و سنگین بر پیکر ی نحیف این کودکان وارد می سازد.

هیچکس مسئولیت مداوای آنان را بر عهده نمی گیرد. کار شدید برده وار با دستمزدی ناچیز، کتک زدن و توهین گفتن به آنها در مقابل چشمان دیگران به روال عادی زندگی کودکان کارگر و خیابانی در ایران تبدیل شده است.

اما مساله مهم این است که چه کسی مسئول این همه سیاه روزی، بدبختی، فقر و نابرابری است؟ چه کسی میتواند پاسخگوی این همه ظلم و ستم و کمبود باشد؟ اگر در کشوری غنی مانند ایران که تمامی سرمایه آن صرف گله های سرکوبگر و عوامل و سران این رژیم می گردد و فقط یک ماه چپاول و اجحاف و سایر کارهای مشابه که صرف بقای این سیستم می شود، نمی بود، هر انسانی از کوچک و بزرگ میتوانست در آن جامعه از یک زندگی متوسط و بدون دغدغه های فکری و روحی برخوردار شود. مسبب اصلی این فقر و فلاکت و نا امنی و همچنین معضلات عدیده اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کسی نیست جز رژیم اسلامی حامی سرمایه و اسلام سیاسی در ایران و تنها خود مردم هستند که میتوانند متحدانه ریشه متعفن این نظام و این رژیم ارتجاعی و ضدبشری را بخشکانند. اگر این حرکت اجتماعی با انقلاب توده مردم به تحقق بپیوندد، آنگاه ما شاهد شکوفایی زندگی برای همه و از همه مهمتر برای کودکان می باشیم.

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

بم را فراموش نکنیم!

کودکان و جنگ



اسماعیل مولودی
مددکار اجتماعی و
کارشناس امور پناهندگی

قسمت دوم

متوسل شدن به خشونت از دست دادن احساس همدردی بانسانها دپرسیون گرفتن و عصبانیت ضایعه هایی است که به کودکان صدمه میزند. یکی دیگر از روانشناسان Björn Svensson میگوید صحبت با کودکان در مورد اتفاقات لازم است ایشان کتابی در مورد اتفاق ۱۱ سپتامبر نوشته است تحت عنوان کودکان و اتفاقاتی که از صفحه تلویزیون می بینند. شخصیت و طرز زندگی تجربیات شخصی از جنگ و حوادث ناخوشایند همه در وضعیت کودکان تاثیر دارد. کودکانی که در محیط های نا امن و خشن زندگی میکنند یا زندگی کرده اند. ناهنجارهای روحی و روانی را با خود حمل میکنند تا کودکی که در محیط های امن زندگی کرده اند. بزرگسالان راحت میتوانند صحنه های جنگ را فراموش کنند بدلیل اینکه هم تجربه زندگی بیشتری را دارند و هم مشغلات دیگری در زندگی دارند که برایشان مهمتر است. ولی کودکان بعضا روزها و ماهها به یک صحنه دلخراش فکر میکنند. اگر این جدی گرفته نشود و به موقع مورد بحث و گفتگو با کودک قرار نگیرند، بر ذهن و روانش تاثیر مخربی میگذارد.

کودکانی که بچه گریانی را در صحنه جنگ می بینند اولین چیزی که به مغزشان خطور میکند زندگی روزانه خودشان است و ترس از اینکه مبادا به آن وضعیت دچار شوند. فکر میکنند، نکند زمانی او هم مثل آن کودک گریان پدر و یا سرپرستش را از دست دهد. مثلاً کودکان گاه فکر میکنند نکند صدام یا بوش بتوانند خانه آنها را هم بمباران کنند. چون کودکان همه تصاویر را که میبینند فوراً با زندگی روزانه خود مقایسه میکنند و خطر اینکه آرامش و زندگی شان بهم بخورد آنها را تحت فشار قرار میدهد. ترس در زندگی بچه خیلی نقش بازی میکند. در صورتیکه بزرگسالان فاصله فاجعه ها و زمان و نوع آنها را با توجه به دانش و تجربه خود تشخیص میدهند ولی بچه به مسئله نزدیک و دوری حادثه زیاد فکر نمیکند بلکه خود حادثه آنها را بیشتر تحت تاثیر میگذارد. بخصوص اگر خود یا نزدیکانشان در حادثه شریک باشند. مثلاً بچه هاییکه هم اکنون خویشان و نزدیکانشان در عراق زندگی میکنند. مسئله محیط زندگی به محل حادثه و حتی نوع زندگی، بخشی دیگری از مسائلی است که بر روان بچه تاثیر میگذارد. کودکانی که از نزدیک شاهد خشونت هستند و یا در زندگی آنها تجربه کرده اند با کوچکترین حادثه وحشت میکنند. مار گزیده از نخ سیاه و سفید میترسد فشار روحی و خاطره از تجربیات تلخ فوراً به سراغشان میاید و نمیتواند بر احساساتشان تسلط پیدا کنند. نمیتوانند مشکلاتشان را به سادگی حل کنند.

ادامه دارد



اعتراض کرد. باید خواهان اقدامات فوری برای بهبود سریع زندگی مردم شد. نباید بگذاریم کودکان و مردم بم فراموش میشوند.

اما کسی جوابگو نیست. کسی مسئول این وضعیت نیست. کودکان و مردم آواره در میان خرابه های بم فراموشی سپرده میشوند. باید به جمهوری اسلامی

حقوق کودک و در واقع برای عدم حمایت از کودک در برابر تعرضهای جامعه، به ویژه پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده باز می گذارد. همین سند ناقص کنوانسیون حقوق کودک، کافی است که بتوان به صراحت گفت که هیچ پدر و مادری ولو، بهترینهایش با بهترین ایده ها حق ندارند که عقاید خود را ولو با بحث و گفتگو به کودکان، منتقل کنند. این امر، ابتدایی ترین حقوق انسانی کودکان را زیر پا می گذارد. اما سند دیگری هم

است اما کسی جوابگو نیست. کسی مسئول این وضعیت نیست. کودکان و مردم آواره در میان خرابه های بم فراموشی سپرده میشوند. باید به جمهوری اسلامی

ادامه

رفتار با کودکان

در بیانیه کنوانسیون حقوق کودک، اما و اگرهای معمول قدرت مداران به چشم می خورد. این اما و اگرها همانهاییست که دولتها برای محدود کردن حقوق انسانی کل بشر به کار می گیرند. "حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق و عفت عمومی" نمونه هایی از این اما و اگرهاست که دست دولتها را برای محدود کردن

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان

آرزوی نادیا، یک چهار دیواری امن است

نازیلا محمد حسنی زمانی



دخترم نادیا فقط ۸ سال دارد. او وقتی هنوز ۳ سالش نشده بود از ایران فرار کردیم. آنزمان

نادیا بسیار با هوش بود در ۲ سالگی بهره هوشی اش به اندازه یک کودک ۴ و ۵ ساله بود. اما دوران طولانی و بسیار سخت پناهجویی ضربه ای مهلک به نادیا زده است. قرار بود از طرف روانپزشک که بر اثر افسردگی تحت درمانش بودم، کلاسهای آموزش ترتیب داده شود تا سلولهای مغزی نادیا پرورش یافته و شکوفا شود. اما با کمال تأسف باید بگویم دختر من مثل بسیاری از کودکان پناهجو در درجه اول قربانی جامعه ایران و دوم زندگی در شرایط پناهندگی می باشد. زندگی پناهجویی برای کسانی که در این مورد اطلاعات دارند کاملاً روشن است. کودکانمان از تعلیم و تربیت

با امکانات بهداشتی و درمانی تغذیه مناسب و حتی تفریح و ورزش و سرگرمی محرومند و کمبود هر کدام از این موارد ضربه ای جدی برای رشد فکری، جسمی و روحی و معنوی فرزندانمان می باشد. این مشکلی نیست که فقط دختر من گریبانگیر آن باشد بلکه کودکانمان در تیرگی زندگی پناهجویی رو به نابودی هستند.

مشکلات دخترم از وقتی شروع شد که پدرش اقدام به بردن او به ایران کرد. نادیا در این ماجرا ضربات سخت روانی خورد گرچه من به موقع جلوی چنین اتفاقی را گرفتم ولی دخترم بعد از آن جریان مدتی لب به غذا نزد و شب ها هراسان از خواب بیدار

می شد و می گفت مامان خواب های بد می بینم و خیلی میترسم که باپام بیاد و مرا از تو جدا کند. آخر من چگونه میتوانم دخترم را به ایران، کشوری که زندگی در آنجا مثل کابوس برای من و زنان گریخته از چنگال بدبختی و توهین و تحقیر و تجاوز و سرکوب است، بفرستم. هرگز هرگز.

میخواهم بدانم گناه کودکان چیست که باید از حداقل ترین حقوق شان محروم باشند. سالهاست که بزرگترین آرزوی دخترم دیدن لبخندی بر لبان مادرش است.

آرزوی نادیا داشتن یک چهار دیواری امن که بتواند به آن خانه بگوید، است. واقعا آرزوی فرزندان پناهجو چیزی بیش از این نیست چون حتی نتوانستند برای یک روز هم شده یک زندگی نرمال را تجربه کنند.

این یعنی فاجعه یعنی درد یعنی ظلم و ستم و نابرابری.

کودکانمان دفاع کرد. باید کاری کرد که هیچ کودکی گرسنه نخوابد، هیچ کودکی تشنه نباشد، هیچ کودکی مجبور به کار طاقت فرسا نباشد، هیچ کودکی نگران و غمگین نباشد. همه اینها امکان پذیر است. همین امروز در بخشی از همین دنیای امروزی پیاده میشود. ما هم باید با مبارزه و اعتراض خودمان این حق کودکانمان را از حاکمان جمهوری اسلامی بگیریم. هیچ امر دیگری تا این حد قابل دفاع بیدیهی و سهل الوصول نیست. فقط باید دست بکار شد. ایجاد سازمانها و تشکلهای دفاع از حقوق کودک، از زندگی کودکان دفاع کنید.

ادامه

کیفرخواست

را زیر پا بگذارد، چه اسمش دولت باشد، چه فلان اداره و چه خانواده. باید کاری کرد، فاصله طبقاتی فقرا و ثروتمندان هر روز بیشتر بیشتر میشود. امروز زندگی یک میلیارد کودک در مخاطره است چند سال دیگر از مرز میلیارد هم خواهد گذشت.

ما منتظر اخبار، مقالات، نظرات و پیشنهادات شما هستیم.

کودکی ۱۱ ساله خود را با طناب حلق آویز کرد

خبرگزاری ایسنا، این خبر را از طریق کلاتری ۱۴۸ جنت آباد دریافت کرده است و اضافه میکند هنوز انگیزه اصلی این اقدام روشن نیست.

خبر تکان دهنده است، چرا کودکی ۱۱ ساله که تازه دارد با زندگی آشنا میشود، تازه دارد دوست پیدا میکند و تازه دارد با محله و شهرش آشنا میشود طنابی گیر میآورد و خود را حلق آویز میکند. این چه شرایط وحشتناکی بوده است که کودکی ۱۱ ساله را به اینجا میرساند. این چه سیستم و چه نظمی کثیفی است که کسی پیدا نشده تا دست کمکی بسوی این کودک دراز کند. چه کسی جوابگو است. باید یقه چه کسی را گرفت، دوستان باید کاری کرد. خودکشی کودکان دارد عادی میشود. ما نباید بگذاریم که کودکانمان این راه را انتخاب کنند. باید زندگی مطمئن و شاد برای کودکانمان فراهم کنیم. باید به جمهوری اسلامی اعتراض کنیم باید امکانات کافی برای یک زندگی انسانی برای همه کودکان فراهم گردد. باید با تشکیل انجمنها و نهادهایی از حقوق کودکان دفاع کرد و برای زندگی بهتر کودکان مبارزه نمود. این کار شدنی و عملی است. فقط باید آستینها را بالا زد.

شما چه فکر میکنید؟ برای ما بنویسید!

آیا درست است که گوش کودک را بیچکانیم و انگشتانش را فشار دهیم و یا بازویش را بگیریم و او را به دنبال خود بکشیم؟ بنظر شما درست است که در فروشگاه سر کودک فریاد بکشیم و یا در خانه جلوی چشم کودکانمان از روی عصبانیت چیزی را روی زمین پرتاب کنیم؟ وقتی شما عصبانی میشوید، چکار می کنید؟ وقتی شما ناظر خشونت فیزیکی و یا روانی کودکی هستید، چه اقدامی می کنید؟ آنرا به خود مربوط میدانید و یا آنرا امری خانوادگی می پندارید؟

افکار و تجربیات خود را با ما در میان بگذارید. ما با درج تجربیات شما در «کودکان مقدمند» سعی میکنیم که رفتارمان را با کودکانمان بهتر و انسانی تر کنیم.

تعدادی از خوانندگان نظرات و سوالاتشان را برای ما ارسال کرده اند که در شماره های بعد به آنها میپردازیم. با تشکر از همه آنها.

مهنوعیت هر نوع آزار روانی، فشار و ارباب کودکان

زندگی بهتر برای کودکانمان بسازیم



بابک شدیدی

در روز جهانی حقوق بشر اعلام شد که یک میلیارد کودک جهان زیر خط فقر زندگی می کنند. با صد میلیارد دلار تا سال ۲۰۱۵ می شود فقر کودکان را در جهان ریشه کن کرد. بیشترین آمار مربوط به ایران با ۵۰۰ هزار کودک فقیر است. ۱۳ درصد کودکان ایرانی کار می کنند سو تغذیه در بین کودکان استانهای سیستان و بلوچستان

آذربایجان غربی و هرمزگان بیداد می کند. کودک آزاری و عدم برخورداری از فرصتهای برابر آموزشی برای دختران و پسران، میزان بالای ترک تحصیل دختران در مقطع ابتدایی تنها گوشه هایی از این وضعیت غیر انسانی است. ۴۰۰ هزار کودک افغانی در ایران زندگی می کنند، کودکان

صفحه ۶

فقط ارائه آمار چه مشکلی را حل میکند!



شراره نوری

چه مشکلی را حل میکند! بر اساس گزارش سازمان ملل هر پنج ثانیه یک کودک از گرسنگی یا در اثر عدم تغذیه صحیح جان خود را از دست میدهد. در حال حاضر ۸۵۲ میلیون انسان در معرض خطر مرگ قرار دارند.

یک تغذیه صحیح هم می تواند به همان اندازه مسئله آفرین باشد. کمالینکه یک کودک لاغر از کشور اتیوپی می تواند به همان اندازه در معرض خطر مرگ قرار گیرد که یک کودک با اضافه وزن از کشور چین. بر اساس محاسبه های انجام یافته حدود ۳۰ میلیارد دلار آمریکایی در سال لازم است تا بتوان با این معضل جهانی مبارزه کرد، در صورتیکه برای مبارزه با بیماری اینز و ریشه کن کردن بیماری مالاریا فقط یک پنجم این مبلغ استفاده می شود.

۲۲۱ میلیون در کشور هند، ۱۴۲ میلیون در چین، ۱۵۶ میلیون در کشورهای آسیایی، ۲۰۴ میلیون در آفریقای جنوبی، ۵۳ میلیون در آمریکای لاتین، ۹ میلیون در شرق و شمال آفریقا، ۲۸ میلیون در کشورهای موسوم به بلوک شرق و ۹ میلیون در کشورهای پیشرفته.

بر اساس تعریف سازمان جهانی نجات کودک: مشکل فقط کمبود مواد غذایی نیست، بلکه عدم توجه به

میشود با این کار مبارزه کرد؟ **افسانه وحدت:** زیر پا گذاشتن حقوق کودکان و کودک آزاری متأسفانه در جوامع عقب نگهداشته شده رایج است. شکنجه دختران به اسم ختنه برای زیر دست و سرریز نگاه داشتن آنها هم از همین دست است. بنظر من مسئولیت مستقیم پایمال کردن حقوق کودکان در هر جامعه ای به عهده دولتهاست. باید برای احقاق حقوق کودک در هر کشوری مبارزه کرد. این امر با مهاجرت مردم از آفریقا و آسیایه کشورهای اروپایی هم منتقل شده. دوروبرمان پر است از دخترانی که «مثله شده اند. در سوئد «مثله کردن دختران ممنوع است ولی دختران را به کشورهای محل تولدشان میبرند و «مثله میکنند. مسلماً میشود جلوش را گرفت. به پدر و مادر اخطار داده شود که بعد از بازگشتشان دختران را معاینه میکنند و اگر به این کار دست

بند میآید و مادر و عمه اش با سیلی و کتک مجبور میگردند ادرار کنند. میگفت اگر توانی در آن وقت داشتم هر دویشان را میکشتم. دختر دیگری میگفت که بعد از عمل که بخوبی در خاطرش است دو روز بیهوش بوده و همه فکر میکردند که مرده است.

کودکان مقدمند: فکر میکنید چه چیزی آدمی را به این وحشیگری ها وامیدارد؟

افسانه وحدت: به نظر من قبل از هر چیز جهل است. هر چه ناآگاهی، جهالت و بیسوادی در جامعه بیشتر باشد، مردم راحت تر آلت دست قرار میگیرند و به کارهای غیر منطقی و خشن دست میزنند. راحت تر به بهشت و جهنم باور میکنند و هر چه ملای قبیله دیکته کند بدون چون و چرا انجام میدهند. مردمی که آگاهند، به علم و دانش دسترسی دارند، ارگانهای بدنشان را میشناسند، کار آنها را میدانند، در مورد تندرستی و بهداشت آگاهی دارند، کمتر دچار این خطاهای جبران ناپذیر میشوند. بریدن بخشی از آلت تناسلی دختران که بسیار مهم و حساس است، بخشی که پر از رگ و عصب است و با آن حس میکنند و لذت میبرند، بغیر از وحشیگری و جهالت چیست؟

کودکان مقدمند: به نظر شما نقش مذهب در این میان چیست؟ **افسانه وحدت:** راستش تا آنجا که دیده و شنیده ایم، ختنه دختران و پسران همیشه در خانواده های مسلمان و مذهبی صورت میگیرد. هر چند عده ای میگویند که

ادامه

سنتهای عصر حجر

یکی از کارهای روتین من این است که بعد از اینکه از مدرسه برمیگردم و شام میخورم دور هم میشینیم و گپ میزنیم. این کودکان معمولاً از حقوقشان مطلع نیستند. مقوله برابری زن و مرد برایشان جدید است و بطور مسلم بسیار جذاب. من سعی میکنم برایشان توضیح دهم که ختنه چه دختران و چه پسران دست اندازی به بدن کودک است، تجاوز به حقوق کودک است. و باید قانون در هر کشوری ممنوعش کند. یکی از آنها میگفت خانواده من آنقدر مذهبی هستند که اگر آخوند قبیله دستور دهد مادر یا پدر برهاتی فرزندشان را میکشند. من و اداشان میکنم کمک پزشکی بگیرند. خود من از متخصص برایشان وقت میگیرم و آنها را تشویق به عمل جراحی میکنم. در سوئد با یک عمل جراحی ساده دو طرف آلت را که به هم دوخته شده باز میکنند و این عمل قدری از دردهایشان را تخفیف میدهد ولی بخش های بریده شده هیچوقت ترمیم نمیشود. **کودکان مقدمند:** خود آنها چه فکر میکنند؟ چه میگویند؟

افسانه وحدت: همه آنها میگویند که با من در تماس بوده اند، یک تنه قصد مبارزه با این پدیده عصر حجری را دارند. میگویند که هرگز این بلا را سر دخترانشان نخواهند آورد. یکی از آنها میگفت که عمل «مثله کردنش مثل یک خواب وحشتناک است که همیشه به سراغش خواهد آمد. تعریف میکرد که با درد های وحشتناکی که بعد از عمل داشته اداوارش

ممنوعیت فوری حجاب اسلامی برای کودکان

سنتهای عصر حجر

در قرن بیست و یکم



افسانه وحدت

صاحبنظر در امور کودکان

کودکان مقدمند: شما مطلبی را در کودکان مقدمند شماره ۷ در مورد «مشله کردن دختران نوشتید. چطور با این پدیده آشنا شدید؟

افسانه وحدت: من در سوئد با این پدیده آشنا شدم. حدود چند سال پیش در تلویزیون سوئد برنامه ای در این مورد نشان دادند که تکان دهنده بود. من تا آن زمان اطلاعی از این قضیه نداشتم. راستش از این همه جهل «شوکه شدم»، باورم نمیشد. تا اینکه سالها بعد از نزدیک با قربانیان آن آشنا شدم.

کودکان مقدمند: آشنائیتان با این دخترها به چه شکل بود؟ افسانه وحدت: کار من با بچه هایی است که تنها، بدون پدر و مادر و سرپرست به سوئد میآیند. در طی این چند سال با دخترانی روبرو شدم که در کودکی «مشله شده اند. از نزدیک شاهد دردها و پیامدهایش هستم. درد دائمیشان را میبینم. تعدادی از آنها فکر میکردند همه دخترها به هنگام ادرار کردن سوزش و درد دارند و فکر میکردند امری عادیست. فکرش را بکنید که دختر بچه ای را بخوابانند و بدون اینکه سر یا بیهوشش کنند، آلت تناسلی اش را ببرند. آن هم نه با وسائل و امکانات بهداشتی. درصد زیادی از این دختران از کشور سومالی میآیند که بیش از ۴۰ درصد مردمش چادر نشین و فقیرند. در آنجا امکان دسترسی به بیمارستان و بهداشت برای اکثریت مردم تقریباً محال است. عمل ناقص سازی دختران اغلب در هوای آزاد و بدست زنان قبیله که از بهداشت و درمان بی اطلاعند و ابزارشان در بیشتر موارد تیغ های معمولی و استفاده شده است صورت میگیرد. درد و رنج عمل و بعد از عمل آنقدر وحشتناک است که اکثرآ صحنه های آن تمامی عمر با آنهاست و نیز دردهای دائمی هم به آنها فرصت نمی دهد که فراموشش کنند.

کودکان مقدمند: منظورتان از دردهای دائمی چیست؟ افسانه وحدت: این دختران دردهای موضعی دائمی و کمر درد، پا درد، دردهای شدید به هنگام عادت ماهانه و فشارهای زیر شکم که همراه با درد است دارند که تا آخر عمرشان با آنها خواهد بود. از مشکلات دیگرشان درد به هنگام آمیزش جنسی و خطرات جانی به هنگام زایمان است.

کودکان مقدمند: آیا در این مورد با آنها صحبت میکنید؟ افسانه وحدت: بله مسلم است. من در جایی کار میکنم که خانه آنهاست. ساعات زیادی را با آنها سپری میکنم. رابطه عاطفی بسیار نزدیکی با آنها دارم.

صفحه ۵

درس خواندن در آغل گوسفندان

ایران و خاورمیانه است و سالهای متمادی نفت این منطقه چرخ اقتصادی کشور را به گردش در می آورده است.

درس خواندن دانش آموزان است این روستا که در ۴۰ کیلومتری مسجد سلیمان واقع شده است، نه برق دارد و نه آب. با توجه داشت که مسجد سلیمان اولین منطقه نفت خیز

خبرگزاری فارس: دانش آموزان یکی از روستاهای مسجدسلیمان در استان خوزستان در آغل گوسفندان درس می خوانند بنا به این گزارش صدای گوسفندان و تاریکی آغل مانع

مرگ کودک ۱۰ ساله،

در آتش سوزی چادری در بم

و نبود امکانات لازم و نبود پزشک متخصص سوانح و سوختگی در جان سپردن این کودک تاثیر زیادی داشته است.

رفته بود که بر اثر آتش گرفتن چادر با بخاری نفتی در شعله های آتش سوخت. حضور دیر هنگام ماموزان آتش نشانی شهر بم که با تعداد اندک پرسنل باقی مانده

فائزه دریجانی که همراه خانواده هفت نفری خود در یک کانکس بیست متری، در حوالی میدان امام حسین بم زندگی میکرد برای آمادگی امتحان روز بعد از کانکس به چادر

تنبیه کودک ۷ ساله در برزیل

داشته و اصلا تنبیهی در کار نبوده است و دانش آموز چون جنبه شوخی نداشته است آنرا برای والدینش به گونه دیگری تعریف کرده است. والدین کودک این ادعا را رد میکنند.

مدرسه متهم شده که در تنبیه این کودک هفت ساله بسیار زیاده روی کرده است او دهان این کودک را با نوعی چسب بسته بوده است. مدیر مدرسه میگوید که معلم تنها قصد شوخی کردن با بچه ها را

آناناوا: والدین یک دانش آموز ابتدایی در برزیل از معلم مدرسه ای که فرزندشان در آن درس میخواند شکایت کرده و گفته اند که وی نزدیک بوده در اثر بستن دهان کودکشان با چسب او را خفه کند. معلم

ادامه زندگی بهتر برای کودکانمان بسازیم

ضریات شلاق در جمهوری اسلامی ندارند آنها باید بدانند که چگونه کودک ۲۵ روزه تحت شکنجه و آزار می میرد. آیا آنها از جنایت پاکدشت بی خبرند. باید به آنها بگویم که کم بودن معلم زن که باعث ترک تحصیل دختران می شود دلیلش بی ارزشی زن و آپارتاید جنسی حاکم بر آن جامعه است. باید به آنها گفت که مذهب باعث شده خانواده های مذهبی کودکان خود را مورد تنبیه و آزار و اذیت قرار دهند. سالانه چندین کودک به خاطر روابط جنسی اعدام و سنگسار و به شلاق محکوم می شوند. اینها تنها نمونه های بسیار کوچکی از اوضاع اسفناک کودکان در جمهوری اسلامی است

رقم کودکانی که در ۲۴ ساعت کار می کنند بیشتر از ۱۳ درصد است چرا نباید کودکان افغانی از کمترین حقوق انسانی خود یعنی تحصیل کردن برخوردار باشند. چرا نداشتن حق اقامت باید جلوی تحصیل آنها را بگیرد و آن عده هم که می توانند تحصیل کنند نباید مثل اکثر کشورهای جهان از تحصیلات رایگان بر خوردار باشند. نماینده صندوق کودکان سازمان ملل یا اطلاعی در مورد وضعیت بسیار اسفناک کودکان در ایران ندارد یا نمی خواهد و اجازه ندارند آنها را بازگو کند چرا در آمارشان از اعدام کودکان صحبتی نمی شود. چرا نمی گویند کودکان را در ایران اسلامی سنگسار می کنند. آنها احتمالاً خبر از شلاق زدن دختر ۱۴ ساله و کشتن او زیر

افغانی که فقط خانواده آنها مجوز دارند حق مدرسه رفتن دارند و برای هر ترم باید ۱۵۰ دلار هزینه مدرسه رفتن بپردازند. تنبه جسمی و روحی در مدارس ایران عادی است و هزاران دختر در ایران به علت مشکلات و مسایلی اجتماعی و فرهنگی و نبود معلم زن مجبور به ترک تحصیل شده اند. اینها آمار های جدید صندوق بین المللی کودکان سازمان ملل است که جدیداً منتشر شده اینها تنها نمونه های کوچک از وضعیت کودکان در ایران است اینها تصاویر هر روزه کودکان در آن جامعه است که هر روز شاهد آن هستیم جمهوری اسلامی و زالو صفتان سرمایه هر روز به فکر رسیدن به بمب اتم و ساختن موشک و کشیدن خون انسانها برای بیشتر شدن سرمایه هایشان هستند

ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان